

سرگذشت و سرنوشت نسخه‌های خطی*

ایرج افشار

چند نکته مقدماتی

بانیان این مجمع گرامی از من خواسته‌اند شمه‌ای درباره نسخه‌های خطی فارسی به آگاهی برسانم. اما به مناسبت آن که ایرانیم تصورم بر آن است که می‌توانم به طور کلی درباره وضع نسخه‌های خطی در ایران، بدون تفکیکی زبانی، گزارشی بدهم. ناچار حد و مرزی را در برخی از بخش‌های این گزارش نتوانسته‌ام رعایت کنم. مخصوصاً به مناسبت آن که هر کاری درباره نسخه‌های خطی در ایران به انجام رسیده، اعم از جمع‌آوری و مجموعه‌سازی نسخه‌ها، تنظیم آنها در قفسه کتابخانه‌ها که نسخه‌های زبان‌های فارسی و عربی و ترکی

* گزارشی است که متن انگلیسی آن در جلسه افتتاحی مؤسسه «الفرقان» (لندن - ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱) خوانده شد. مؤسسه الفرقان برای نگاهبانی خطی سرزمین‌های اسلامی تأسیس شده و چهار هدف عمده آن عبارت است از: شناسایی و بررسی وضع و آمار نسخه‌های خطی در سراسر جهان، فهرست نویسی نسخه‌های خطی زبان‌های ممالک اسلامی، آنها که فهرست نشده است، اتخاذ راه‌های مختلف به منظور مرمت و نگاهبانی نسخه‌هایی که در معرض انهدام است، چاپ متونی که باید به صورت انتقادی و فاکسیمیله انجام شود. ایران‌شناسی، سال ۴۷-۳۱: (۱۳۷۱) ۴.

لابلای هم چیده می‌شود، بالأخره فهرست‌نویسی و معرفی آنها از این حیث که اغلب فهرست‌های تنظیمی در ایران ممزوج است.

جز این مسلّم است که در مطالعه و تحقیق ادبیات ایران و نوشته‌های ایرانیان و بررسی عقاید آنان، ناچار به همه نوشته‌هایی می‌نگریم که به هر یک از این سه زبان مهم نگارش یافته است. به همین ملاحظات است که کتابداران و فهرست‌نگاران ایران معمولاً نمی‌توانسته‌اند به تفکیک و تقسیم زبانی قائل بشوند و چنان که اشاره شد غالب فهرست‌های نسخ خطی که در ایران نگارش یافته بر اساس موضوع است و یا شماره ترتیب نسخه‌ها در قفسه (call number) نه برحسب زبان، مگر به ندرت (مثل فهرست کتابخانه ملک). ولی فهرست‌نگاران همین کتابخانه هم فهرست بخش مجموعه‌ها Collection of miscelanous را به ترتیب شماره‌ای منتشر کرده‌اند و درست ندانسته‌اند که اجزاء یک مجموعه را از هم جدا کرده در دو یا سه فهرست برحسب زبان معرفی می‌کنند.

به هر تقدیر برای آشنا شدن با وضع نسخ خطی فارسی، از حیث این که چه کارها درباره آنها شده است و این نسخ در کجاها نگهداری می‌شود از دو جنبه می‌تواند مورد توجه باشد.

نخست قلمرو کتابت نسخه‌های خطی است و چون به عبارت پایانی colophon نسخه‌هایی که محل کتابت در آنها قید شده است بنگریم و در موردی شیوه خط را بتوانیم تشخیص دهیم در می‌یابیم که نسخ فارسی در مدت شش هفت قرن در همه سرزمین‌هایی که مردمش فارسی تکلم می‌کرده و یا با ادب فارسی‌آشنایی داشته‌اند نوشته شده است. چه بسیار نسخه‌هاست که در بلاد و ممالک عربی‌زبان مانند شامات و بغداد و مصر و متصرفات اروپایی عثمانی

(بالکان) به‌رشته کتابت درآمده و هنوز مقداری از آنها در همان سرزمین‌ها باقی مانده است. سابقه وجود تعدادی زیاد از نسخه‌های فارسی در کتابخانه‌های عمومی و در مجموعه‌های خصوصی در هندوستان و پاکستان (شبه قاره) و ترکیه (عثمانی) از مقوله رایج بودن زبان فارسی در دربار و در محافل ادبی آن سرزمین هاست و طبعاً در چنان جاها کتابت نسخه‌های فارسی به کثرت رواج داشته است. حتی نگارش و آرایش آنها به شیوه خاص خود آن نواحی بوده است و با یک نگاه می‌توان هر یک را از دیگری تمیز داد.

قلمرو دیگر نسخه‌های فارسی، قلمرو موجودی آنها در زمان حاضر است. این قلمرو از مرز سرزمین‌های مورد تکلم فارسی (یعنی ایران و افغانستان و تاجیکستان) و حتی ممالک همسایه با آنها (یعنی هند و پاکستان و ترکیه) گذر کرده و اکنون بسیاری از نسخه‌های فارسی به طرق مختلف به کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی ممالک دیگر جهان رسیده، یعنی در سراسر عالم پراکنده است و متأسفانه آمار درستی هم در دست نداریم. حتی بخش زیادی از آنها فهرست نشده مانده است.

نسخه‌های خطی اعم از فارسی و جز آن در طول یازده قرن به‌وسیله تجارت، غارت، هدیه و ارمغان جابه‌جایی بسیار یافته و به چهارگوشه جهان پراکنده شده و درست یادآور این بیت کم مایه عوامانه است:

می‌رود این کتاب البته

تا به بغداد و مصر و کلکته

از میان نسخه‌های فارسی قسمتی مهم هنوز در منطقه‌هایی که آن کتاب در آن‌جاها تألیف یا کتابت یافته است بر جای خود مانده و در حقیقت اینها

نسخه‌هایی‌اند با هویت محلی، مانند تألیفات بسیاری که دانشمندان و نویسندگان فارسی زبان هند و پاکستان، مخصوصاً از قرن یازدهم تا سیزدهم هجری در شهرهای متعدد آن سرزمین پهناور نوشته‌اند و بسیاری از آنها هنوز در هند و پاکستان موجود است و طبیعی است که به‌طور مثال محققان و متن‌شناسان علاقه‌مند به تواریخ هندوستان و آن قسمت از معارف هندویی که به زبان فارسی است و همچنین متون مربوط به سرگذشت و سخنان (ملفوظات) صوفیه شبه قاره مانند چشتیه و قادریه و نوربخشیه و سهروردیه و جز اینها باید توجهی خاص به گنجینه کتابخانه‌های هند و پاکستان داشته باشند. همان‌طور که برای علاقه‌مندان به فرهنگ صوفیان ماوراءالنهر همچون طبقات خواجگان و نقشبندیان دیدار از کتابخانه‌های جمهوری‌های تاجیکستان و اوزبکستان ضرورت تام دارد و برای دستیابی به نسخه‌های کتابت شده در شهرهای میان سیحون و جیحون و بلاد ماوراءالنهر بیشتر باید به کتب‌خانه‌های تاشکند و دوشنبه و سمرقند و بخارا مراجعه کرد. البته مقداری هم از این نسخ در طول دو بیست سال اخیر به کشورهای اروپایی راه یافته است و مقدار کمی هم به تفاریق به ایران رسیده.

خوشبختانه اکثریت نسخه‌های محلی ایران نگارش یافته در طول دو بیست سال اخیر در کتابخانه‌های ایران و در مجموعه‌های خصوصی کشور است و مخصوصاً برای نسخه‌هایی که از تألیفات عصر قاجاری باشد حتماً باید بیش از هر جا به مجموعه‌های کتابخانه‌های مهم ایران (ملی، گلستان، دانشگاه، مجلس، ملک، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان) نگریست.

نگاهی اجمالی (از حیث کمّ و کیف بر رویهم) به موجودی نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های جهان تا حدودی این تقسیم‌بندی را پیش می‌آورد که برای «جهت‌گیری» و اخذ تصمیم در هر زمینه‌ای احتمالاً مفید است:

الف - ایران، هند و پاکستان، ترکیه، شوروی.

ب - انگلستان، آلمانی، مصر، افغانستان، اتریش، فرانسه.

ج - امریکا، یوگوسلاوی، ایتالیا.

د - سوئد، رومانی، دانمارک، هلند، سوئیس، ژاپون و ...

همین پراکندگی جغرافیایی است که دستیابی به استفاده از نسخ خطی را دشوار ساخته و حتی آگاهی متخصصان را از کمّ و کیف آنها محدود کرده است. طبعاً برای به دست آوردن اطلاع کافی نسبت به موجودی و شناسایی نسخه‌های پراکنده در جهان و کارهایی که ضرورت دارد در مورد آنها پیش‌بینی شود محتاج به همین گونه مجالس تعاطی افکار و مراکز ایجاد کننده روابط بین‌المللی هستیم و خوشبختانه با برگزاری مجمع قاعده‌گذاری نسخه‌ها و خط‌شناسی قدیم در استانبول:

Colloque de codicologie et de paleographie des manuscrits du Moyen Orient) Istanbul, 6891)

که انستیتوی فرانسوی مطالعات آناتولی مبتکر تشکیل آن بود، و اینک هم در این مجمع که اصحاب تخصص در آن شرکت دارند، امکانات همفکری بیشتر و یافتن راه‌های همکاری پیش آمده است. بنابراین بهترین فرصت است که به رؤوس مسائل موردنظر بپردازم.

۱- آموزش تخصصی نسخه‌شناسی

تردید نباید داشت که نخستین نیاز همه کتابخانه‌ها در نسخه‌شناسی شرقی

و حتی شناخت ماهوی کتاب‌هایی که هنوز به صورت نسخه خطی ست داشتن کسانی ست که مقدمات و کیفیات کار را به خوبی آموخته و در آموزش دیدن تجربه یافته شده باشند.

تاکنون متخصص این رشته از راه ممارست و تجربه یابی در سالیان چند، بنا به سائقه ذوق و تمایل شخصی، و با دیدن نسخه‌های خطی بسیار زیاد و متنوع و کسب اطلاع از گنجینه ملامال سینه‌های متخصصان و صاحبان بصیرت معدود و محدود، تربیت می‌شد. یعنی آنچه از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یافت به طور شفاهی بود کتابدار و کتابشناس را کتاب و دستک و دفتری نبود که از روی آنها آموزش ببیند.

اگرچه تعداد کسانی که در این رشته صاحب اطلاع بودند در هر دوره‌ای کم بوده است ولی آنچه می‌دانستند عمیق و قابل اعتماد بود و هر سرزمینی برای خود دارای میزان و معیار و ضابطه سنتی و طبعاً اصطلاحات خاص در کتابداری بود. این گونه افراد در میان ادبای ایران به «*connaissanceur de livre* کتابشناس» معروف بودند نه *bibliographe* او آن چنان کسی بود که اطلاعات مبسوطی در شناخت کتاب داشت.

مؤلف و موضوع کتاب و نوع کاغذ و خط و جلد و آرایش‌های مختلف آن را می‌شناخت و ارزشیابی می‌کرد. اگر نسخه فاقد نام و نشان بود و یا افتادگی و پراکندگی داشت با نگرش به ابواب فصول آن می‌توانست هویت کتاب را به درستی معین کند و زمان تألیف و تحریر آن را مشخص سازد.

در حال حاضر هم هر جا که نسخه خطی هست به این گونه افراد احتیاج قطعی وجود دارد.

طبعاً رایج شدن و آسان‌یابی کتاب‌های چاپی و اقبال عمومی به آنها و ضرورت دستیابی به آنها، تمرکز فعالیت کتابداری متوجه به فهرست‌نگاری کتاب‌های چاپی و قاعده‌یابی در آن زمینه شد و آرام‌آرام استفاده کردن از نسخه‌های خطی دامنه‌ای بسیار محدود یافت و ناگزیر علاقه‌مندی به هنر «کتاب‌شناسی سنتی» در ایران کاستی گرفت و چندان که می‌باید کوشش شایسته‌ای برای یافتن قواعد و ضوابط یکنواخت در فهرست‌نویسی، نسخ‌خطی انجام نشد.

در شصت هفتاد سال اخیر چند تن بودند که اطلاعات سنتی کتابداری را نگاهبانی کرده و از نسل پیش از خود دریافته به دستداران امروزمین این رشته سپرده‌اند و من سزاوار می‌دانم برای حق‌گزاری نام شریف‌شان را در این مجلس بیاورم: محمد قزوینی، محمدعلی تربیت، محمد نخجوانی، حسین نخجوانی، محمد مشکوة، مجتبی مینوی، مدرس رضوی، جعفر سلطان‌القرائی، و مهدی بیانی.

در نخستین دوره فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی ایران کوشش‌های قان میرزا اوکتایی (فهرست مشهد)، ابوالقاسم اعتصام‌الملک (فهرست مجلس)، حدائق شیرازی (فهرست سپهسالار)، و عبدالعزیز جواهرکلام (معارف) فراموش‌نشده است. آنها کوشیدند اطلاعات شخصی و ضوابط سنتی و معیارهای تازه‌یاب در فهرست‌های نگارش یافته توسط شرق‌شناسان را جمع سازند و از این راه فهرست‌های اولیه ایران انتشار یافت و رهگشای آیندگان شد.

در دومین دوره فهرست‌نگاری ایران سرسلسله دانشمند و توانمند و باپشتکار و خستگی‌ناپذیر محمدتقی دانش‌پژوه است و در پی او علینقی منزوی،

احمد منزوی، مهدی ولائی، احمد گلچین معانی، عبدالحسین حائری و عبدالله انوار. این چند متخصص‌اند که حتماً این رشته را گسترش دادند.

در سومین دوره فهرست‌نگاری که بیست سال اخیر را در بر می‌گیرد تعداد فهرست‌نگاران به علت پراکندگی نسخه‌ها و ذوق و شوقی که به شناساندن نسخ خطی مخصوصاً توسط دانش‌پژوه باب شد متعدد بوده است و بجز فهرست‌نگاران حرفه‌ای عده‌ای از ادبا هم استطراداً به این زمینه پرداخته‌اند.

اینک آینده نسخه‌شناسی ایران ایجاب می‌کند که قواعد و ضوابط روشن برای آن گردآوری و حتی‌المقدور هماهنگ و در حد امکان یکنواخت شود و به‌صورت مدوئی درآید و در دسترس هر فهرست‌نگاری باشد.

این کار نیاز به تدریس علمی و تخصصی (شاید در درجه فوق لیسانس دانشگاهی) دارد. گاهی در دوره‌های موقتی کتابداری جدید و حتی در دوره‌های کتابداری فوق لیسانس در دانشگاهی به تناوب درسهایی درباره نسخه‌های خطی گفته شده ولی چون گرایش کلی به آموختن کتابدار جدید برای قبول کار در کتابخانه‌ها بود و هست دانشجویان رشته کتابداری رغبتی شایسته به درس نسخه‌های خطی نداشته شاید به‌طور کلی ضرورتی به زنده ساختن اطلاعات سنتی احساس نکرده‌اند.

خوشبختانه در سال جاری بر اساس پیشنهاد مستدل و مجاهدت محمدتقی دانش‌پژوه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران پذیرفت با همکاری گروه کتابداری همان دانشگاه، ولی با استفاده از متخصصان و آگاهان بر احوال نسخ خطی دوره‌ای مستقل برای تربیت ده متخصص نسخه‌شناسی ایجاد کند و هم‌اکنون این

دوره به‌طور علمی و عملی دایر است (صورت موادی که در این دوره تدریس می‌شود ضمیمه است).

۲- قواعد و ضوابط

در فهرست‌هایی که برای نسخه‌های خطی ایران تهیه شده قواعد یکنواخت در معرفی آنها وجود ندارد و مخصوصاً اغلب از حیث اصطلاحات تفاوت‌هایی مشخص میان آنها دیده می‌شود. زیرا هر فهرست‌نگار بنا بر اطلاعات اکتسابی و گاهی بنا بر ذوق شخصی و اجتهاد فردی و در مواردی به استناد مشخصات مکتوب در یادداشت‌های «عَرْض registre» و تملک نسخه‌ها به شناساندن آنها پرداخته است. نبودن اصول و قواعد ثابت و مضبوط و گوناگونی اصطلاحات طبعاً موجب بروز اشکالاتی در نسخه‌شناسی است.

فهرست‌نگاران اروپایی هم در آوردن مشخصات نسخه‌های شرقی اغلب تابع قواعد مرسوم در میان خود بوده و وقوف نازک کارانه‌ای نسبت به همه گوشه‌های خاص نسخه‌شناسی سنتی شرق نداشته‌اند. مخصوصاً در ترجمه اصطلاحات و تطبیق دادن آنها با مصادیق موجود توفیق کامل به دست نیاورده‌اند. به‌طور مثال اصطلاح فارسی «رکابک»، «بند رومی» و «دندان موشی» را که نوعی از طلا اندازی بین سطور است چه باید گفت؟

رساله دکتر مهدی بیانی به نام کتابشناسی کتابهای خطی (تهران، ۱۳۵۲) که متن رساله درس گفتن او بود و پس از درگذشتش به چاپ رسید^(۱)، و رساله رضا مایل‌هروی به نام لغات و اصطلاحات فن کتابسازی همراه با اصطلاحات جلدسازی، تذهیب، نقاشی (تهران، ۱۳۵۳) گره اساسی از کار فهرست‌نگاری

برنمی‌گیرد و متأسفانه جامع و دربرگیرنده همه اطلاعات و اصطلاحات ضروری برای تعلیم نیست.

پس ضرورت تهیه و تألیف کتابی جامع‌الاطراف مسلم است و باید همه قواعد و ضوابط و اصطلاحات مصطلح و مرسوم در کتابداری سنتی ایران جدا از آنچه در دیگر ممالک اسلامی رایج است گردآوری شود، و با معادل‌های انگلیسی درست منتشر شود.

این که پیشنهاد جدا بودن چنین مجموعه‌ای از مشابهات آن در دیگر ممالک اسلامی می‌شود از لحاظ آن است که اصطلاحات متنوع و مترادفی در ممالک عربی، هندوستان و افغانستان و ترکیه رایج است که باهم شدن آنها موجب تداخل و تخلیط تازه‌ای خواهد بود. اما جدا جدا بودن هر یک سبب آن می‌شود که فهرست‌نگاران هر زبانی مصطلحات رایج در میان خود و در کار برده شده سنتی را به کار گیرند.

مشکل تنها این نیست که قواعد و مصطلحات مربوط به کتابت و تذهیب و صحافی مضبوط نیست، مشکل اصلی این است که امروزه مصادیق بسیاری از مصطلحات قدیم را از یاد برده، نمی‌شناسم. به‌طور مثال من نام سی و یک گونه کاغذ را از میان «عرض»‌های مکتوب بر اول نسخه‌ها و متون کلاسیک فارسی استخراج کرده‌ام ولی هیچ نمی‌دانم که چگونه می‌توان این اصطلاحات را با کاغذ نسخه‌ها تطبیق داد و به دقت گفت که کاغذ فلان نسخه دقیقاً از فلان نوع است.

برای رسیدن به این هدف مهمترین کاری که ضرورت دارد به انجام برسد مجموعه‌ای از همه نوشته‌ها و رساله‌هایی است که در زمینه‌هایی مربوط به خوشنویسی و رنگ کردن کاغذ و جلد سازی به زبان فارسی نگارش یافته و

اگرچه به‌طور پراکنده بعضی چاپ و بعضی هم ترجمه شده است (مانند گلستان هنر توسط ولادیمیر مینورسکی و رسالهٔ رنگ کاغذ سیمی نیشابوری توسط Louise Marlow و اشارات Yves porter) باز ضرورت آن هست که به صورت کرپوسی corpus در اختیار باشد و از این طریق اصطلاحات پیشین و قواعد محتمل و تعریف‌های مبنی بر متون استخراج و پیشنهاد شود و ضوابط مربوط به تاریخ تحول و شیوه‌های خط و بالمآل سیر فرهنگی نسخه‌نویسی فارسی در دسترس فهرست‌نویس و نسخه‌شناس قرار گیرد. تردید ندارم که اگرچه ترجمه گلستان هنر مفید بود ولی از وقتی که پس از آن ترجمه، متن کتاب توسط سهیلی خوانساری انتشار یافت استفاده بردن از مطالب و مضامین آن کتاب با صحت و دقت بهتری انجام‌شدنی است.

پیشنهاد دیگرم برای دست یافتن به ضبط اصیل اصطلاحات و راهیایی به استخراج درست قواعد شناخت دقائق هنری مربوط به نسخه‌ها آن است که «عرض»‌های فارسی مندرج در پشت نسخه‌ها (به هر زبانی شرقی) گردآوری شود و به چاپ برسد. از همین زمره و سنخ تواند بود کتابچه‌ها و صورتهایی List که احياناً از فهرست بسیار ارزشمندی که در سال ۱۱۷۲ از نسخه‌های آستان صفی در اردبیل تهیه شده بوده و خوشبختانه به نام گنجینهٔ صفی توسط سید یونسی (تبریز، ۱۳۴۸) به چاپ رسیده است و نمونه‌ای است بسیار خوب برای آگاه شدن بر اصطلاحات قدیم رایج میان گنجینه‌داران نسخه.

۳- آمار تقریبی نسخه‌ها

طبعاً تعداد واقعی نسخه‌های خطی موجود در ایران را نمی‌توان معین کرد، دیگر چه رسد به این که بخواهیم عدهٔ نسخه‌های خطی فارسی را معین کنیم.

پراکنده بودن نسخه‌ها در کتابخانه‌های عمومی، دانشگاهی، مؤسسات دولتی و مسجدها و بقعه‌های مذهبی و بی‌خبری محض از بسیاری از آنها، فهرست نشدن همه نسخه‌ها، مخفی بودن نسخه‌ها در مجموعه‌های خصوصی مشکل اساسی در راه تهیه آمار دقیق و واقعی است.

به‌طور تخمین و تقریب تعداد نسخه‌های خطی موجود در ایران از دویست هزار کمتر نیست و احتمالاً نیمی عربی است و به‌طور تقریب می‌توان گفت نزدیک به شصت هزار از نسخه‌ها در فهرست‌های چاپی و نشریه‌ها و به تفاریق در مجله‌ها و مقدمه متون چاپی معرفی شده است. بنابراین نزدیک به یک‌صد و چهل هزار نسخه فهرست نشده در ایران هست، فی‌المثل هفت هزار نسخه در کتابخانه ملی و به همین قیاس در چند کتابخانه دیگر. نکته مهم این است که نسخه‌های مجموعه خصوصی به احتمال نیمی از فهرست نشده‌ها را دربر می‌گیرد.

اکنون بعضی از کتابخانه‌های ایران (مجلس، مرکزی دانشگاه تهران، مرعشی قم، ملی، بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی) بر مجموعه‌های خطی خود می‌افزایند و نسخه‌های خطی را که در بازار عرضه می‌شود می‌خرند. گاهی هم مجموعه‌های اهدایی به این کتابخانه می‌رسد. پس این نسخه‌ها هم باید فهرست بشود.

۴- فهرست‌نگاری انتخابی و انتقادی

با توجه به کثرت نسخه‌های ناشناخته و فهرست نشده و لزوم معرفی شدن نسخه‌هایی که برای پیشرفت تحقیقات و جوب دارد ناچار باید راههایی را در پیش گرفت که برآورنده اولویت‌ها باشد و اگرچه هر کتابخانه‌ای باید فهرست

همه نسخه‌های خطی خود را منتشر کند به ملاحظه آن که چنین کاری برای همه کتابخانه‌های جهان مستلزم سالهای دراز صرف وقت و داشتن نیروی کارآمد و اعتبار مالی شایسته است ناچار یگانه راه، آگاه شدن بر نسخه‌های مورد ضرورت فهرست نگاری انتخابی - انتقادی به اقتضای احتیاجات شناخته شده محققان و ضرورت‌های فرهنگی است و بدین منظور می‌توان با مشورت کردن با متخصصان متن‌شناسی و نسخه‌شناسی فهرست‌هایی از نسخه‌های مهمتر را با ارزش‌یابی متنی و نسخه‌ای تهیه و نشر کرد. برای آن که مطلب بیشتر شکافته شده باشد من به‌طور مثال درباره رشتۀ تاریخ چند کلمه‌ای عرض می‌کنم و مقدمهٔ باید بگویم نظرم به‌طور اخص به نسخ فارسی متون تواریخی است که برای تاریخ عمومی مفید خواهند بود.

از میان تواریخ مهم عمومی به فارسی چندتاست که همه نسخه‌های آنها شناخته نشده و هر یک هم که جزء یا کلاً چاپ شده است از لحاظ صحت متن قابل اعتماد نیست.

بنابراین باید متون مصححی از آنها در دسترس محققان قرار گیرد و برای این که چاپ درستی انجام شود از هر یک باید نسخه‌های معتبرتر و مضبوطتر را شناخت. درحالی که از هر یک نسخه‌های زیادی هست که در تصحیح متن نمی‌توان به آنها اتکاء کرد. ناچار باید نسخ معتبر به‌طور محدود معرفی شود. از این رسته است جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، زبدة‌التواریخ حافظ ابرو، حبیب‌السیر خواندمیر، روضة‌الصفای میرخواند، خلد برین محمدصفی قزوینی و از تواریخ سلسله‌ای که برای وقایع جهانی و تاریخ منطقه باید

نسخه‌های معتبر قابل اعتماد شناسانده شود ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی، عالم‌آرای عباسی اسکندریک منشی را به‌طور مثال نام می‌برم.

در زمینه تاریخ‌های مرتبط با ممالک همجوار تاج‌المآثر تاج‌الدین حسن نظامی نیشابوری برای تاریخ هندوستان و هشت بهشت برای تاریخ عثمانی و روم و دهها کتاب همتراز آنها را می‌توان به یاد آورد.

در زمینه احوال و عقاید بزرگان تاریخ هم باید مثالی بیاورم و بهترین شخص رشیدالدین فضل‌الله وزیر همدانی است که هنوز اکثر نوشته‌های او به چاپ نرسیده و نسخه‌های تألیفاتش ارزشیابی نشده مانند کتاب‌های تقریظات، اسئله و اجوبه و مجموعه الرشیدیه که خوشبختانه نسخ ممتاز قابل فاکسیمیله شدن از آنها موجود است (در ترکیه و در ایران).

در زمینه رجال‌شناسی (بیوگرافی دینی شیعی) کتابی نظیر احسن‌الکبار فی معرفة الائمة الأطهار تألیف محمدبن ابی‌زید عربشاه علوی ورامینی (قرن هشتم)، اگرچه نسخه‌هایش متعدد است هنوز به چاپ نرسیده و از مجالس‌المؤمنین قاضی نورالله شوشتری که بهترین کتاب سرگذشت علمای شیعه تا قرن یازدهم هجری است هنوز چاپی که مبتنی بر نسخه‌ای درست و حسابی باشد انتشار نیافته. حتی کتاب روضة‌الشهدای ملاحسین کاشفی همیشه بدون مراجعه به نسخه خطی تجدید چاپ می‌شود.

همان‌طور که اشارت رفت، تعداد زیاد این‌گونه کتابها که همیشه کتاب مرجع بوده‌اند موجب دشواری ارزشیابی انتقادی و برتری نهادن نسخه‌ای بر نسخه دیگر است و ناچار ضرورت دارد که فهرست سالشماری (Chronologique) از متون مهم زبان فارسی به اعتبار قدمت سال کتابت تنظیم کرد تا از مشکلاتی

که فی‌المثل تاکنون در تصحیح دیوان حافظ و شاهنامه فردوسی و کلیات سعدی موجود بوده است، کاسته شود.

هماره تحقیقات ادبی و شناخت متون ما را ملزم به اتکاء به نسخه‌های معتبر و قدیم که نزدیک به زمان مؤلف باشد می‌کند و بنابراین مکلف به آن می‌باشیم که نسخه‌های قدیمی را بشناسیم.

فهرست‌نگاری انتخابی و انتقادی در همه رشته‌ها باید اجرا شود تا هرچه زودتر متون اساسی آن شعب علمی مانند جواهرنامه نظامی (قرن ششم) در سنگ‌شناسی و گوهرهای آرایشی که خواجه نصیر تمام کتاب تنسوخ نامه را از آن برداشته و نامی از آن نبرده است و سعادت نامه علاء طبری از قرن هفتم در علم دیوان و سیاق شناسانیده شود.

۵- دو نکته در فهرست‌نویسی نسخه‌های فارسی

در فهرست‌نگاری نسخه‌های فارسی، توجه به دو ویژگی و خصوصیت که تاکنون یا مورد توجه نبوده و یا به اجمال و اشاره از آن گذشته‌اند باید مورد نظر قرار گیرد (شاید تا حدودی به‌مانند نسخه‌های دیگر):

الف - جنبه مادی و ظاهری و به‌طور کلی هنری است (کاغذ، جلد، آرایش، خط، تصویر). اگر چه متخصصانی در این زمینه‌ها به تقسیم‌بندی‌ها و سبک‌شناسی‌ها پرداخته‌اند اما با عنایت کامل به زمان نسخه و منطقه تهیه آن باید گروهی متخصص با هماهنگی به بازنگری و تجسس دامنه‌دارتری به قصد مشخص و منضبط ساختن سبک‌ها پردازند و استانداردهای مورد قبول را پیشنهاد کنند تا تشتت آراء به حد مقدور از میان برداشته شود.

تردید نیست که تک‌نگاری‌های بازیل گرای و ب. و. رابینسون (Robinson و B.W. Ernest Grube) و فهرست نسخ خطی فارسی مصور دارالکتب المصریه نگارش نصرالله مبشر الطرازی مقداری این رشته را به سوی گسترش برده است ولی هنوز هنر کتاب‌سازی فولکوریک، مذهبی و شاهانه ایران چنان که باید شناخته شده نیست. در زمینه تجلید و صحافی هم باید تحقیقی تازه‌تر، مخصوصاً درباره صحافی ایرانی عرضه شود.

ب - رسم‌الخط نسخه‌ها از نظر ضبط کلمات و دقائق زبانی (نه از لحاظ خوشنویسی و هنری) به دو ملاحظه باید در نسخه‌های قدیم (تا اواخر قرن هشتم) معین و مشخص شود:

(۱) طرز تلفظ کلمات بر مبنای اعراب‌گذاری و مشکول بودن آنهاست که طبعاً دلالت بر گویش کاتب نسخه دارد و محققان را از تغییرات زبانشناسانه و گویش‌های دیرینه فارسی آگاه می‌سازد و بحثی دقیق را می‌تواند طرح‌ریزی کند.

(۲) طرز ضبط کلمات از حیث پیوستگی و گسستگی در مرکبات و مفردات است و می‌شود گفت که در هر دوره، و هر منطقه، و حتی هرکاتب ضوابط و رسم‌های گوناگونی رواج داشته است و هنوز هم مبتلابه عمومی ست و ناچار باید ضبط‌های نسخه‌های قدیم را شناخت تا بر آن اساس و به اتکای منطق خط و زبان مشکلات رسم‌الخط را بتوان رفع کرد.

بنابراین نسخه‌هایی که به هر کدام از این دو جنبه کمکی باشد باید به دقت معرفی شود و آنها را که شایسته چاپ فاکسیمیله است معین ساخت.

۶- نظری به تاریخچه فهرست‌نگاری عمومی

از سال ۱۳۰۵ که نخستین نسخ خطی ایران مربوط به آستان قدس (مشهد) و مجلس (تهران) انتشار یافت تا اکنون به‌طور کلی وقفه‌ای در فهرست‌نگاری پیش نیامده ولی هرچند یک بار به مناسبت وقایع عمومی و وضع مالی کتابخانه‌ها کندی روی آورده است.

در حال حاضر برای کتابخانه‌های کوچک و پراکنده و آنها که دارای نسخ معدود هستند طرحی عمومی در دست نیست که از تعداد آنها آگاهی به دست آید و فهرست‌نویسی آنها به‌طور اطمینان‌بخشی سرانجام گیرد.

اما در کتابخانه‌های بزرگ مانند ملی (علی‌نقی منزوی) و مجلس (عبدالحسین حائری) و مرعشی قم (احمد حسینی اشکوری) و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (محمدتقی دانش‌پژوه) و کتابخانه بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی (احمد منزوی) به‌طور منظم به فهرست‌نگاری اشتغال دارند. فهرست‌نگاری کتابخانه ملی ملک (تهران) با انتشار جلد نهم که در سال کنونی منتشر می‌شود، به پایان رسیده است.

تعداد فهرست‌های نسخ خطی فارسی که در جهان انتشار یافته است به تخمین من به نزدیک هزار عنوان رسیده است لذا «کتاب‌شناسی فهرست‌های نسخ خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا» که به توصیه یونسکو تهیه کردم و در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) چاپ شده، کهنه شده است و می‌باید با طرح جدیدی به انتشار چنین کتاب‌شناسی پرداخت و کوشش‌های انجام شده را شناسانید.

می‌دانیم که J.D. Paerson در کتاب *Oriental Manuscripts in Europe and*

North (ZUG 1961) Amerca که به معاضدت یونسکو تهیه شده است، ذیل نام

هریک از کشورهای اروپایی و آمریکایی شمالی فهرست‌های مربوط به نسخه‌های خطی فارسی را به ترتیب الفبایی نام هر شهر و هر کتابخانه معرفی کرده است. با وجود این اکنون ضرورت دارد بر مجموعه کار افشار و پیرسن فهرست مقاله‌هایی هم که معرفی نسخه‌های خطی، حتی آنها که به معرفی یک نسخه مختص است در کتابشناسی جامع آورد شود و کاری یکباره و یک‌سره عرضه گردد.

در ایران دو نشریه هم در معرفی نسخه‌های خطی هر چند یک بار نشر می‌شد و کمک مؤثری در معرفی نسخه‌های پراکنده، دورافتاده و تک‌مانده و مخصوصاً مجموعه‌های خصوصی که امکان شخصی به نشر فهرست نداشته‌اند بود. یکی از این دو مجموعه نشریه نسخه‌های خطی از انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران است که در سال ۱۳۳۹ نخستین دفترش انتشار یافت و تاکنون دوازده دفتر آن نشر شده است. دیگری که آشنایی با چند نسخه خطی نام دارد که در سال ۱۳۵۵ به اهتمام دو تن از فضایی حوزه علمیه قم (حسین مدرسی طباطبائی و رضا استادی) انتشار یافت و متأسفانه متوقف مانده است.

۷- فهرست‌نگاری گروهی

با توجه به آنچه از وضع نسخ‌ها و فهرست‌نویسی آنها گفته شد برای این که زودتر فهرست‌نویسی نسخه‌های موجود در کتابخانه‌های ایران پایان گیرد، فهرست‌نگاری کتابخانه‌ها را که طبق سنت متکی به کار یک نفره است باید به کار گروهی درآورد و برای این کار تصورم بر این است که باید سمپوزیومی خاص در ایران با شرکت مدیران کتابخانه‌های مهم و فهرست‌نگاران متخصص نسخ خطی و مسؤولان ارگانیزاسیون‌هایی که دارای کتابخانه‌های حاوی نسخ خطی

هستند (اوقاف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی) تشکیل شود و دربارهٔ روش مربوط به حصول این مقصود اتخاذ تصمیم مشترک کرد.

در ایران چند بار کوشش دسته‌جمعی برای فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی شد و ثمربخش بود و به اشاره بد نیست یادآور شوم:

الف - کتابخانهٔ سپهسالار با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه و علی‌نقی منزوی.

ب - کتابخانه‌های شهرستان‌ها که انجمن آثار ملی طرح محمدتقی دانش‌پژوه و این‌جانب را پذیرفت تا توسط متخصصان و ادبای هر شهر فهرست نویسی نسخ خطی آنجا انجام شود. برای شش کتابخانهٔ مشهد (توسط کاظم مدیر شانه‌چی، عبدالله نورانی، و تقی بینش) و کتابخانهٔ عمومی رشت (محمد روشن) فهرست‌هایی تهیه و در سه جلد چاپ شد.

ج - کتابخانهٔ مجلس شورای ملی که مجلد یازدهم تا شانزدهم آن حاصل کار گروهی چند فهرست‌نویس با هم است.

د - کتابخانهٔ ملی ملک در نه جلد که نتیجهٔ کار مشترک ده فهرست‌نگار است.

۸- فهرست مشترک

پس از تألیف مهم و ابتکاری C.A.Storey، احمد منزوی که سال‌هایی چند در نگارش فهرست نسخ خطی تجربه عملی و ممارست یافته بود و جز این در تهیه و چاپ چند جلد از کتاب الذریعه تألیف پدرش به او کمک کرده بود

درصد تهیه فهرست مشترک از نسخه‌های خطی فارسی موجود در ایران برآمد (از سال ۱۳۴۸) و توانست قسمتی از آن را در شش جلد به چاپ برساند. او نه تنها همه فهرست‌های چاپ شده ایران را دیده و استخراج کرده بود بلکه نام نسخه‌هایی را که شخصاً در کتابخانه‌های مختلف دیده بود و فهرست چاپی از آنها در دست نبود در این فهرست مندرج کرد. گاهی هم نام نسخه‌های موجود در کشورهای دیگر را براساس منابع و مراجعی که به فارسی ترجمه شده و یا اصل آن فهرست‌ها را خود به تفاریق دیده بود وارد کرده است.

منزوی پس از این که ششمین جلد کتابش منتشر شد چون فعالیت مؤسسه ناشر متوقف شد به پاکستان سفر کرد و موفق شد در آنجا طرح نوی را به «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» (راولپندی) بپذیراند و به چاپ فهرست مشترک تازه‌ای پردازد و آن فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان است که یازده جلد آن نشر شده است (۱۹۸۳-۱۹۹۰).

کار ابتکاری او در مجلدات اخیر این فهرست افزودن فهرست‌واره‌هایی است به ترتیب موضوعی حاوی نام و نشان کتاب‌های خطی و چاپی فارسی مربوط به هر موضوع و براساس ترتیب اسم کتاب، با ارجاع به مآخذ و منابع این قسمت منحصر به معرفی نسخ پاکستان نیست.

اکنون که این گزارش نگارش می‌یابد احمد منزوی در تهران مذاکره درباره فعالیت دیگری را در همین زمینه فهرست مشترک با «بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی» آغاز کرده است که به‌طور خلاصه عبارت است از این که فهرست‌واره‌ای را که در جلد ۱۱ فهرست مشترک پاکستان آغاز کرده است ادامه دهد.

در زمینه مربوط به فهرست مشترک یادی هم باید از سه طرح دیگر بشود:

یکی فهرست موضوعی نسخه‌های عربی ایران است که محمد باقر حجتی، فهرست‌نویس نسخ خطی دانشکده الهیات از چند سال پیش به تهیه آن دست برده و آن را بر اساس فهرست‌های چاپ شده کتابخانه‌های عمومی (نه مجموعه‌های خصوصی) به ترتیب موضوعی و تاریخ نگارش و اسم کتاب فراهم کرده و مرکز اسناد و مدارک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ جلد اول آن پرداخته است. دیگر فهرست مشترک کتاب‌های فقه و حدیث است اعم از فارسی و عربی که مؤسسه بنیاد انقلاب اسلامی بانی تألیف آن شده است. آخرین همه فکری است که محمدتقی دانش‌پژوه برای اجراء به دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران القاء کرد. نظر او بر این بود که برای پیشرفت تحقیقات ایرانی اطلاعات مندرج در کتاب‌های کارل بروکلن و فؤاد سزگین و کارل استوری و هوفمان و فهرست‌های چاپ ایران درهم کرده شود و یونیون لیستی باشد که فی‌المثل اطلاعات مربوط به ابن سینا اعم از فارسی و عربی در یک جا و با هم به دانشمندان عرضه شود و مقام فرهنگ ایرانی مشخص باشد. تهیه فهرست‌های مشترک از مجموعه‌های فارسی یک کشور هم از کارهای مهم و با ارزش است و به همین ملاحظه باید از فهرستی که اخیراً آقای م. پیه مونتسه منتشر ساخته و طبق آن معلوم شده است که ۴۳۶ نسخه خطی فارسی در کتابخانه‌های شهرهای مختلف ایتالیا موجود است یاد کرد و آن را الگویی برای کارهای مشابه قرار داد.

۹- عکس و میکروفیلم

نخستین اقدام برای عکسبرداری از نسخ خطی را محمد قزوینی حدود سال ۱۹۲۵م. به دولت ایران پیشنهاد کرد و خود مأمور شد در اروپا از نسخه‌های

مهم و معتبر که در درجه اول اهمیت برای تصحیح و چاپ و موجب پیشرفت تحقیق در زمینه تاریخ و ادبیات ایران بود عکس تهیه کند. آنچه به وسیله او عکس تهیه شد اینک در کتابخانه ملی نگاهداری می‌شود.

اما تهیه میکروفیلم از نسخه‌های خطی در ایران را پروفیسور هانری کربن در مدتی که مدیر انستیتو ایران‌شناسی فرانسوی در تهران بود آغاز کرد و از تعدادی نسخه‌های خطی فلسفی و عرفانی و تاریخی که بعضی از آنها متعلق به مجموعه‌های خصوصی بود میکروفیلم تهیه کرد.

پس از آن مجتبی مینوی از سوی دانشگاه تهران و وزارت فرهنگ مأموریت یافت که در کتابخانه‌های ترکیه به تجسس پردازد و از نسخه‌هایی که مناسب می‌یابد میکروفیلم بگیرد. او این کار را با دلبندی و پشتکار ستایش‌انگیز در مدت قریب به شش سال انجام داد و میکروفیلم‌هایی را به ره‌آورد آورد که مایه اصلی تشکیل بخش میکروفیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بود.

پس از او دکتر ذبیح‌الله صفا از نسخه‌های فارسی مهم کتابخانه‌های موزه بریتانیا و ملی فرانسه به میکروفیلم‌برداری پرداخت که همه برای نگاهداری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بود. جز این خود کتابخانه هم از مجموعه‌های خصوصی و عمومی ایران و خارج منظم‌اً میکروفیلم درخواست کرده و اینک مجموعه‌ای که تعداد آن به حدود ۷۵۰۰ رسیده و سه جلد فهرست برای آن توسط محمدتقی دانش‌پژوه چاپ شده است.

این نکته را باید در نظر داشت که اهمیت مجموعه میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران بر این است که مقدار زیادی از آنها از نسخه‌های متعلق به مجموعه‌های خصوصی میکروفیلم شده است.

کتابخانه‌های آستان قدس (مشهد) و مرعشی (قم) و ملی هم دارای میکروفیلم هستند. کتابخانه ملی ملک فقط از مجموعه خود میکروفیلم تهیه کرده تا خوانندگان به جای مراجعه به اصل نسخ از میکروفیلم استفاده کنند. کتابخانه مرعشی (قم) اخیراً جلد اول نسخه‌های عکسی خود را منتشر ساخته و در آن ۵۰۰ نسخه از ۲۰۰۰ تا معرفی شده است.

۱۰- فاکسیمیلۀ نسخه‌های خطی

در احیای متون کهن فارسی خوشبختانه دو گونه اقدام می‌شود: یکی تصحیح انتقادی متون از روی نسخ خطی است که در این پنجاه و چند ساله اخیر نزدیک به دو هزار متن کلاسیک در ایران به چاپ رسیده.

دیگر طبع فاکسیمیله (عکسی) است که سابقه آن به حدود بیست سال می‌رسد و دانشگاه تهران و انجمن آثار ملی در این کار پیشگام بوده‌اند.

اخیراً مؤسسه خاصی به نام «مرکز انتشار نسخ خطی» وابسته به بنیاد دایرة المعارف اسلامی به منظور چاپ عکسی نسخ منحصر به فرد و ممتاز و معتبر قدیمی، هنری و خط مؤلف تأسیس شده است و در ظرف دو سال که از آغاز کارش می‌گذرد پنج کتاب از جمله نسخه مورخ ۶۶۷ مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار تألیف تاج‌الدین محمد شهرستانی (به زبان عربی) را به چاپ رسانیده.

پنجاه و پنج سال پیش محمد قزوینی به درخواست دولت ایران نوزده متن مهم را برای چاپ شدن معرفی کرد و نسخه‌های مهم آن را برشمرد. اما از آن میان هنوز متن‌های هفت اقلیم امین احمد رازی و مجمل فصیح خوافی و تاریخ جهان‌آرا وزبده التواریخ ابوالقاسم کاشانی و زبده التواریخ حافظ ابرو و تاریخ

راقم میر شریف سمرقندی و کیهان شناخت حسن قطان مروزی یا چاپ نشده است و یا چاپ انتقادی ندارد.

اینک هم ضرورت فرهنگی اقتضا دارد از میان فهرست‌های نسخ خطی و فهرست‌های مشترک فهرستی انتخابی در هر رشته توسط گروه متخصص معین شود تا براساس آن فهرست نسخه‌های خوب و اصیل و با اساس مشخص گردد و هرچه زودتر به یکی از صور نشر انتقادی - نشر فوری مضبوط - نشر فاکسیمیله در مدتی مثلاً ده سال این برنامه به اجرا درآید و مجدداً فهرست دیگری تهیه و نسبت به اجرای آن اقدام شود.

چون از من خواسته‌اند گفتارم درباره نسخه‌های خطی فارسی باشد اگر چه این گزارش ممزوجی بود از تاریخچه و اطلاعات مربوط به نسخه‌های خطی فارسی و عربی و ترکی موجود در ایران، پیشنهادهای خود را که ناظر به نسخه‌های هر سه زبان است به شرح زیر خلاصه می‌کنم:

الف - برای هر سه زبان

- تأسیس مرکز تربیت نسخه‌شناس و فهرست‌نگار عربی و فارسی و ترکی در یکی از دانشگاه‌ها با عنایت مخصوص به ضوابط و اصول و اصطلاحات سنتی.

- تدوین قواعد نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری و چاپ آن به زبان اصلی و زبان انگلیسی.

- تهیه آمار نسبتاً دقیق از موجودی نسخ خطی ایران و تعیین مقدار فهرست شده و ناشده.

ب - برای زبان فارسی

- تهیه فهرست مشترک الفبایی به صورت Union List
- نسخ فارسی فهرست شده در جهان
- تهیه کتاب‌شناسی فهرست‌های نسخ خطی فارسی به طوری که معرفی‌های تک نسخه‌ای مندرج در مجلات را نیز دربر گیرد.
- تهیه فهرست انتخابی فوری از نسخه‌های فهرست نشده فارسی هر کشور بر اساس زمینه‌ای که گروه متخصص، شناساندن آنها را در رشته‌های مختلف ضرور می‌دانند.
- تهیه فهرست سالشماری Chronologique نسخ معتبر قدیم برای تعیین ضابطه‌های مربوط به خط و تلفظ زبان فارسی تا سال هشتصد هجری.
- گردآوری یادداشت «عرض‌هایی فارسی و فهرست‌های قدیمی که مشخصات نسخه‌ها در آنها مضبوط مانده و این دو کار برای تشخیص مصطلحات و استخراج قواعد فهرست‌نگاری ضرورت دارد.
- تهیه فهرست انتخابی از متون ارزنده فارسی و شناساندن نسخ آنها که برای چاپ و نشر اولویت دارد.

یادداشت:

۱. همین جا یک اختلاف بین وجود دارد. ایشان کلمه کتابشناسی را با گرفتن از مفهوم سنتی و قدیمی کتاب‌شناسی برای معرفی و شناخت «مشخصات خطی» (description) به کار برده است در حالی که دیگران کتاب‌شناسی را به جای bibliographie مصطلح ساخته‌اند.